

فعالان کمیته هماهنگی در خرم آباد و تهران

کالبدشکافی یک تجربه موفق از رویکرد جنبشی

کارگران یخچال سازی لرستان با تجمع و تحصن خود در تهران در دو نوبت موفق شدند خواست های خود را به سرمایه داران بقبولانند. این که آیا سرمایه داران عملاً نسبت به تعهدات خود پایبند خواهند بود یا نه مسئله دیگری است که در آینده و در درجه اول در اثر ادامه و پیگیری مبارزه کارگران تعیین خواهد شد. اما به هر حال حتی اگر این تعهدات روی کاغذ هم بماند باز هم نوعی عقب نشینی سرمایه داران و به این اعتبار پیروزی کارگران محسوب می شود. اطلاعیه های این تجمع، چگونگی حرکت کارگران، مطالبات آنان و در نهایت نتیجه مبارزه کارگران به پیوست این مقاله آمده و خوانندگان را برای آگاهی از این جزئیات به اطلاعیه های پیوست ارجاع می دهیم.

بی تردید، نقش اصلی و تعیین کننده در این پیروزی را خود توده کارگران یخچال سازی ایفا کردند که با تحمل سختی ها و پایداری و پای فشاری بر خواست های خود و نیز مقابله با نیروهای سرکوبگر هیچ راهی را جز عقب نشینی برای سرمایه داران باقی نگذاشتند. بنابراین، بستر اصلی و مادی این پیروزی حرکت خود کارگران بود. اما بر این بستر و

دقیقاً با تکیه بر همین بستر، فعالان کارگری حاضر در این حرکت نیز نقش چشمگیری در این پیروزی داشتند. این فعالان چه با حضور فعال و مسئولانه خود در این تجمع‌ها و چه با انجام کارهای تبلیغی و تدارکاتی مربوط به این حرکت ضمن هماهنگ کردن حرکت کارگران کوشیدند ضرورت پیوند آنان با بخش‌های دیگر جنبش کارگری و در درجه نخست کارگران بیکار و اخراجی و قراردادی برای برپایی یک جنبش سراسری و بدین سان فراهم نمودن زمینه ایجاد تشکل کارگران به صورت طبقه را برای کارگران توضیح و در عمل نشان دهند. هدف از این نوشته، بیان تجربه این فعالان برای کل فعالان جنبش کارگری است، باشد که با این کار به سازمان‌دهی جنبش کارگری کمکی کرده باشند.

این تجربه را در ابعاد زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- عامل اصلی در به حرکت درآمدن کارگران فشار کمرشکن و طاقت‌فرسای زندگی است که حتی برآورده کردن ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی را دشوار و گاه ناممکن ساخته است. مادیات و ارضای نیازهای مادی است که کارگران را به مبارزه می‌کشاند. تجمعات کارگران یخچال‌سازی در تهران برای رسیدن به مطالباتشان امری ابتدا به ساکن نبود بلکه مسبوق به دو سال مبارزه برای این مطالبات و در رأس آنها دستمزدهای معوقه بود. این تجمعات پیامد جان به لب شدن کارگران و این در و آن در زدن آنان برای رفع نیازهای ابتدایی زندگی‌شان بود. اگر این اصل آهنین و بی‌چون و چرای زندگی را به عنوان زیربنای تمام شرایط دیگر بپذیریم، آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که کارگران ابتدا و پیش از هر چیز برای امرار معاش خود مبارزه می‌کنند و سپس در جریان این مبارزه به نیازهای دیگر از جمله نیاز تشکل کارگری می‌رسند. این حکم، بسیار ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، و از همین رو در برخورد اول ممکن است مورد مخالفت هیچ‌یک از فعالان کارگری قرار نگیرد. اما عملاً چنین

نیست. پیشینه عملکرد بسیاری از فعالان کارگری خلاف این را نشان می‌دهد. این فعالان با رویکرد گروهی خود - به تفکیک از رویکرد جنبشی - به جای تقدم مبارزه مادی کارگران بر تشکل آنان، تشکل را بر مبارزه مقدم شمرده‌اند و می‌شمرند. این تقدم عنصر و انگیزه ذهنی بر عنصر و انگیزه عینی برخلاف واقعیت عریان جنبش کارگری است. تشکل کارگری تنها با عزیمت از بستر عینی و خودانگیخته مبارزه کارگران می‌تواند ایجاد شود. تشکل سازی در خارج از این بستر، کاری بیرون از ریل مبارزه طبقاتی کارگران است و حاصلی جز تکرار تجربه‌های ناکام گروهی نخواهد داشت.

۲- پیشروان و آگاهان جنبش کارگری فقط بر بستر مبارزه توده کارگران می‌توانند متشکل شوند و این مبارزه را رهبری کنند. پیشروان طبقه کارگر تنها در صورتی می‌توانند مبارزه این طبقه را رهبری کنند که بدنه کارگری را مخاطب قرار دهند و نه صرفاً کارگران هم نظر و هم عقیده خود را. فعالان حاضر در حرکت کارگران یخچال سازی رو به توده کارگران داشتند و نه فقط این یا آن کارگر هم عقیده خود. و تنها پس از این مخاطب قرار دادن بدنه و روشنگری بر بستر مبارزه این بدنه بود که کارگران هم عقیده و هم نظر با فعالان کارگری گرد آمدند و به طرح نظرات خود در مورد چگونگی پیشبرد حرکت و اتحاد و همبستگی با کارگران دیگر برای ایجاد تشکل کارگری پرداختند. به این ترتیب، حرکت کارگران رهبران خود را یافت، اما رهبرانی که بر بدنه کارگری و بر اساس سوخت و ساز درونی و ارگانیک مبارزه توده کارگران شکل گرفته بودند، به طوری که وقتی حضور یکی از این رهبران در جمع نمایندگان مذاکره کننده با مخالفت یکی دیگر از نمایندگان روبه‌رو شد (تحت این عنوان که او کارگر یخچال سازی نیست و نباید در جمع نمایندگان حضور داشته باشد) نمایندگان دیگر اعلام کردند که اگر او حضور نداشته باشد ما نیز در مذاکره شرکت نخواهیم

کرد. و به این ترتیب این رهبر و فعال کارگری با پشتیبانی قاطع کارگران حاضر در تجمع در مذاکره شرکت کرد و طرف مقابل مذاکره نیز مجبور به پذیرش او به عنوان یکی از نمایندگان کارگران شد.

این تجربه - حتی در همین مقیاس بسیار کوچک و محلی آن - از آن رو حائز اهمیت است که دغدغه‌ای در میان برخی از فعالان کارگری وجود دارد مبنی بر این که آیا عزیمت از بدنه جنبش کارگری به معنی کم بها دادن به نقش رهبری و درغلطیدن به تز «جنبش همه چیز و هدف نهایی هیچ چیز» نیست؟ بدون شک، جنبش کارگری باید با رهبری و حول هدف مبارزه با سرمایه‌داری سازمان یابد. به عبارت دیگر، بدنه این جنبش باید «سر» داشته باشد. اما مسئله این است که این «سر» چگونه ایجاد می‌شود؟ با عزیمت از بدنه یعنی شرکت فعال در مبارزه توده کارگران و مخاطب قرار دادن کل این توده یا درست کردن یک «سر» جدا از بدنه و سپس درخواست از توده کارگران برای پیوستن به این «سر»؟ تجربه فعالان کارگری شرکت کننده در تجمعات کارگران یخچال‌سازی به حقانیت شق اول گواهی می‌دهد. بدنه کارگری «سر»ی را که با عزیمت از تئوری صرف ساخته شده باشد «سر» خود نخواهد دانست و به آن نخواهد پیوست.

۳- هر چند مبارزه طبقه کارگر مبارزه‌ای اقتصادی - سیاسی است، لیکن کارگران از مطالبات مشخصاً اقتصادی عزیمت می‌کنند و از آن جا به عرصه سیاست و درگیری با نظام سیاسی حاکم می‌رسند. تنها پس از آن که کارگران یخچال‌سازی برای تحقق خواست‌های اقتصادی خویش کارفرما و عوامل او را گروگان گرفتند سر و کله نیروهای انتظامی و ضدشورش پیدا شد. این حکم نه فقط در مورد حرکت کارگران یخچال‌سازی بلکه در مورد هر گونه اعتراض و مبارزه کارگری صادق است. در هر اعتراض و تجمعی کارگران ابتدا با کارفرمای خود و بر سر

مطالبات اقتصادی درگیر می‌شوند. تنها پس از این مرحله است که دولت و نیروهای سرکوب آن برای حمایت از کارفرما وارد ماجرا می‌شوند و بدین سان کارگران وارد درگیری با نظام سیاسی حاکم می‌شوند. به سخن دیگر، به تبع رهایی اقتصادی است که کارگران وارد قلمرو سیاست می‌شوند. به این اعتبار است که می‌گوییم هر مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است. اما نکته مهم و مورد نظر ما در اینجا آن است که از دیدگاه کارگران هر گونه حرکت سیاسی از جمله براندازی نظام سیاسی تابع رهایی اقتصادی آنان است. این مسئله چنان روشن است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد. تاکید بر آن صرفاً از این رو ضروری است که کم نیستند کسانی که خود را فعال کارگری می‌دانند اما برعکس این روند حرکت می‌کنند، یعنی از مبارزه با نظام سیاسی حاکم به ضرورت توجه به مبارزه اقتصادی کارگران می‌رسند. غافل از آن که این گونه ضدیت با نظام سیاسی چیزی جز مبارزه فراطبقاتی و بی‌ربط به طبقه کارگر و رهایی او نیست، مبارزه‌ای که کارگران را به سیاهی لشکر طبقات دیگر بدل می‌کند.

۴- از آن جا که مبارزه کارگران مبارزه‌ای اساساً علنی است، رهبران آنان نیز فقط به صورت اساساً علنی می‌توانند این مبارزه را رهبری کنند. توده کارگران به درستی نمی‌توانند این نکته را درک کنند که کسی مبارزه آنان را عملاً و نظراً رهبری کند اما هویت‌اش غیرواقعی باشد. آنان به درستی انتظار دارند که همان‌گونه که خود را با هویت و اسم و رسمی واقعی معرفی می‌کنند فعالان و رهبران کارگری نیز خود را با هویت و اسم و رسم واقعی معرفی کنند. آنان به درستی توقع دارند که همان‌طور که خود از جزئیات زندگی و مشقات و گرفتاری‌های خود سخن می‌گویند، فعالان و رهبران کارگری نیز به همان روشنی و صراحت از زندگی و گرفتاری‌هایشان سخن بگویند. در غیر این صورت، توده کارگران این فعالان و رهبران را از خود نخواهند دانست. به درستی احساس خواهند

کرد که کسی صداقت و حسن نیت آنان را مورد سوءاستفاده قرار داده است. کسی که خود را فعال کارگری می‌داند اما به گونه‌ای با توده کارگران برخورد می‌کند که انگار در خانه تیمی زندگی می‌کند هیچ‌گاه مورد اعتماد توده کارگران قرار نخواهد گرفت. البته این نکته نه به این معنی است که رهبر و فعال کارگری در صورت لزوم نباید مخفی شود و نه حاوی این معنا است که توده کارگران مخفی‌کاری نمی‌کنند و یا ضرورت آن را درک نمی‌کنند. در بسیاری از اوقات، توده کارگران مخفی‌کاری را بسیار بهتر و کارآمدتر از فعالان کارگری مورد بحث درک می‌کنند و انجام می‌دهند. اما مخفی‌کاری توده کارگران نیز همچون مبارزه آنان پای بر زمین سفت واقعیات دارد و در عالم انتزاعیات سیر نمی‌کند. همچنین اگر شرایط حکم کند که فعالان و رهبران کارگری مورد اعتماد کارگران مخفی شوند توده کارگران همچون مردمک چشم از آنان حفاظت خواهند کرد. و آنان این کار را نه به دلایل شخصی بلکه دقیقاً به دلایل طبقاتی می‌کنند. درد و نیاز مشترک طبقاتی است که آنان را به این کار وامی‌دارد. درست از این رو بود که کارگران یخچال‌سازی به طرق مختلف می‌کوشیدند فعالان کارگری حاضر در تجمع را از چشم نیروهای امنیتی و انتظامی مصون نگه دارند.

پیوست ۱

تجمع و تحصن موفقیت‌آمیز کارگران یخچال‌سازی لرستان در تهران

روز شنبه ۲۳/۱۰/۸۵ کارگران صنایع یخچال‌سازی لرستان (بوژان)، که دو سال است پرداخت دستمزدها عقب افتاده است، در محل کارخانه در شهر خرم‌آباد تجمع کردند. این کارگران، که ۲۳۰ نفر هستند، قبلاً در تیر ماه ۸۴ تجمع کرده بودند که آن تجمع مورد یورش نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفته و ۳۰ نفر از کارگران دستگیر شده بودند. در تجمع روز ۲۳/۱۰/۸۵، به دنبال شور و مشورت و

پس از آن که خسرو نسیم پور از فعالان کارگری لرستان و عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری برای کارگران سخنرانی کرد، کارگران تصمیم گرفتند در محل دفتر شرکت در تهران تجمع کنند و برای چندمین بار مطالبات عقب افتاده و وضعیت بلا تکلیف خود را مطرح کنند. به این منظور، ۴۶ تن از کارگران شبانه راهی تهران شدند و روز یکشنبه ۸۵/۱۰/۲۴ در محل دفتر شرکت واقع در خیابان مطهری، خیابان اکبری، کوچه آزادی، پلاک ۱۲ تجمع کردند. مدیرعامل شرکت، که اسدالله پیشدار نام دارد، در محل حضور نداشت و به کارگران گفته شد که او بیمار است و نمی تواند در شرکت حاضر شود. اما کارگران خود تماس گرفتند و او را برای پاسخ گویی به مطالباتشان احضار کردند. پیشدار ناچار در شرکت حاضر شد، اما مدعی شد که هیچ کاره است و نمی تواند کاری برای کارگران بکند. کارگران مدیرعامل را در دفتر کارش گروگان گرفتند و اعلام کردند تا تکلیف مطالباتشان روشن نشود اجازه خروج به او نخواهند داد. تنها پس از آن که پیشدار قول داد که «فردا مجمع عمومی سهامداران شرکت برگزار می شود و تکلیف مطالبات شما روشن خواهد شد» کارگران با گرفتن تعهد از او برای حضورش در روز بعد به وی اجازه خروج از دفتر شرکت را دادند، و خود نیز شب را در همان دفتر متحصن شدند.

روز دوشنبه ۸۵/۱۰/۲۵، پنج سهامدار خصوصی شرکت (۲۳ درصد از سهام کارخانه دولتی است و به مالک قبلی یعنی بانک صنعت و معدن تعلق دارد) از جمله مدیرعامل در دفتر شرکت حاضر شدند و جلسه خود را برگزار کردند. سهامداران در ضمن با نیروی انتظامی تماس گرفتند و اعلام کردند که کارگران آنها را به گروگان گرفته اند. نیروی انتظامی در محل حضور یافت و نماینده کارگران - مراد احسان پور - در حضور نیروی انتظامی از طرف کارگران به صاحبان کارخانه اعلام کرد که یا تمام مطالبات عقب افتاده ما را بپردازید و کارخانه را برای تولید راه بیندازید و یا، اگر نمی توانید، استعفا دهید و فعلاً نفری یک میلیون تومان علی الحساب به کارگران حاضر در تجمع بپردازید تا ما با دست داشتن

استعفانامه شما تکلیف کارخانه و بقیه مطالبات را روشن کنیم. صاحبان کارخانه با توجه به قاطعیت کارگران جان به لب رسیده در طرح مطالباتشان ناچار شدند شق دوم را بپذیرند، و در نامه‌ای خطاب به استاندار لریستان ضمن پذیرش مسئولیت خود در پرداخت مطالبات کارگران استعفای خود را اعلام کردند. و نیز چکی به مبلغ ۵۰ میلیون تومان به عنوان علی‌الحساب در وجه کارگران صادر نمودند. بی‌تردید، این موفقیت در سایه اتحاد و مبارزه پیگیرانه کارگران مبارز و متحد کارخانه یخچال‌سازی لریستان به دست آمد و ما به سهم خود این پیروزی را به همه آنان تبریک می‌گوییم.

شایان ذکر است که حرکت کارگران یخچال‌سازی لریستان با هماهنگی و تلاش اعضای کمیته هماهنگی برای تشکیل کارگری در خرم‌آباد و تهران صورت گرفت. همچنین، محسن حکیمی و بهرام دزکی از اعضای این کمیته در هر دو روز در تجمع کارگران در تهران حضور یافتند و ضمن اعلام حمایت از آنان ضرورت ارتباط و همبستگی با کارگران بیکار و اخراجی کارخانه‌های مشابه در سایر شهرها برای برپایی جنبش سراسری کارگران اخراجی و بیکار و قراردادی و عزیمت از این جنبش برای ایجاد تشکل ضد سرمایه‌داری و سراسری طبقه کارگر را برای کارگران تشریح کردند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳۸۵/۱۰/۲۵

پیوست ۲

به حمایت از کارگران یخچال‌سازی لریستان برخیزیم

کارگران! مردم آزادی خواه!

چنان که قبلاً به اطلاع رسانده‌ایم، کارگران یخچال‌سازی لریستان با تجمع و تحصن خود در دفتر این کارخانه در تهران در روزهای ۲۴ و ۲۵ دی ماه ۸۵ مدیرعامل و سرمایه‌داران خصوصی این کارخانه را وادار به استعفا و صدور چکی به مبلغ ۵۰

میلیون تومان به عنوان علی الحساب بابت حقوق معوقه خود کردند. اکنون معلوم شده که چک صادر شده بی محل است. در پی اطلاع کارگران از این نیرنگ و کلاهبرداری سرمایه‌داران، ۱۳۶ تن از کارگران این کارخانه دیشب از خرم‌آباد به قصد تهران حرکت کرده و هم‌اکنون (صبح روز ۸۵/۱۱/۳) در محل شرکت آتیه دماوند وابسته به بانک صنعت و معدن، که سهامدار اصلی کارخانه است، تجمع و تحصن کرده و تمام مسئولان حاضر در شرکت را به گروگان گرفته‌اند. خواست‌های اعلام شده به این مسئولان عبارت‌اند از: پرداخت تمام حقوق معوقه به صورت نقدی، انتقال کارخانه، راه‌اندازی تولید، و بازگرداندن کارگران به کار. در حال حاضر، کارگران روی خواست اول تمرکز کرده و اعلام نموده‌اند تا زمانی که این حقوق پرداخت نشود اجازه خروج از شرکت را به هیچ‌کس (به استثنای زنان) نمی‌دهند.

کارگران!

خواست کارگران یخچال‌سازی لرستان خواست بخش وسیعی از کارگران ایران است. هم‌اکنون کارگران ده‌ها کارخانه بزرگ و کوچک به همین وضعیت دچارند. سرنوشت کارگران یخچال‌سازی سرنوشت همه این کارگران است. علاوه بر این، این سرنوشت در انتظار بسیاری از کارگران شاغل اعم از رسمی و قراردادی نیز هست. هر روز خیل وسیعی از کارگران به خیابان پرتاب می‌شوند و به جمع کارگران بیکار و اخراجی می‌پیوندند. تنها راه نجات ما از این همه بی‌پشت و پناهی و سیه‌روزی کمک به یکدیگر است. برای حمایت از کارگران یخچال‌سازی لرستان به پا خیزیم. به یاری آنان بشتابیم تا فردا آنان نیز به کمک ما بیایند. هر کمکی، هرچند ناچیز، به این کارگران پشتگرمی و اعتماد به نفس می‌دهد و همین امر در پایداری و استقامت آنان برای رسیدن خواست‌هایشان نقش بسیار مهمی دارد. به یاد داشته باشیم که برای رهایی از دوزخی که نظام سرمایه‌داری برای کارگران آفریده است. ما کارگران هیچ راهی جز اتحاد و همبستگی و در نهایت ایجاد تشکل سراسری و ضدسرمایه‌داری طبقه کارگر نداریم.

جهت اطلاع برای پیوستن به کارگران، محل تجمع و تحصن کارگران را به شرح زیر اعلام می‌کنیم:

تهران، خیابان بخارست (احمد قصیر)، کوچه ششم، شرکت آتیه دماوند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳۸۵/۱۱/۳

پیوست ۳

کارگران یخچال سازی لرستان پیروزمندانه به تجمع خود پایان دادند

به دنبال تجمع و تحصن کارگران یخچال‌سازی لرستان در محل دفتر شرکت آتیه دماوند در تهران در روز سه‌شنبه ۸۵/۱۱/۳، نیروی ضدشورش جمهوری اسلامی در محل حاضر شد که به درگیری بین کارگران و این نیرو انجامید. چند تن از کارگران توسط نیروی ضدشورش دستگیر شدند اما سایر کارگران آنان را از چنگ این نیرو رها ساختند. در جریان این درگیری، یکی از فرماندهان این نیرو از دست کارگران کتک خورد. پس از این جریان، دو تن از نمایندگان استان لرستان در مجلس شورای اسلامی به نام‌های فتح‌الله حسنونند و سید مرتضی موسوی و نیز معاون استاندار لرستان به نام مروج در محل حاضر شدند. مذاکرات نمایندگان کارگران با مسئولان شرکت آتیه دماوند به مدت چندین ساعت در حضور این افراد و با شرکت تلفنی استاندار لرستان ادامه یافت و در نهایت طی صورت جلسه‌ای به تاریخ ۸۵/۱۱/۳ که به امضای سه تن از نمایندگان کارگران، سه تن از مسئولان آتیه دماوند و حسنونند نماینده خرم‌آباد و رئیس مجمع نمایندگان لرستان در مجلس شورای اسلامی رسید، شرکت آتیه دماوند متعهد به اجرای خواست‌های کارگران به شرح زیر گردید:

۱- پرداخت تمامی حقوق، مزایا، عیدی و پاداش معوقه به طور کامل. در این مورد، محسنی ثانی استاندار لرستان متعهد گردید که مبلغ مورد نیاز جهت این

کالبدشکافی یک تجربه موفق... / ۱۵۳

پرداخت (یک میلیارد و دویست میلیون تومان) را به عنوان وام در اختیار آتیۀ دماوند قرار دهد.

۲- انتقال کارخانه از سهامداران فعلی به سهامداران جدید

۳- جلوگیری از تعطیل کارخانه و فعال نمودن مجدد آن

۴- پرداخت حقوق کارگران به طور منظم تا زمان انتقال کارخانه به سهامداران

جدید

۵- بازگشت به کار کارگران اخراجی

۶- لغو قراردادهای موقت

۷- پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی و صدور دفترچه درمانی

همچنین، در صورت جلسه مقرر گردید که بند یک خواست‌های کارگران تا

۱۰ روز و سایر بندها حداکثر تا ۲ ماه پس از تاریخ صورت جلسه اجرا شود.

قابل ذکر است که در زمان امضای این صورت جلسه تعداد کارگران به ۱۸۱ نفر

رسید که طی طوماری که به صورت جلسه پیوست گردید خواست‌های فوق را

مورد تایید قرار دادند.

ما ضمن تبریک این پیروزی به کارگران یخچال‌سازی لرستان، تاکید می‌کنیم که

ضامن اجرای این تعهدات فقط و فقط ادامه تجمع کارگران و تلاش برای ارتباط و

اتحاد و ایجاد تشکل با سایر بخش‌های طبقه کارگر و در درجه اول کارگران

اخراجی و بیکار و قراردادی است.

کمیته هم‌هنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳۸۵/۱۱/۴